



## ساختارگرایی تکوینی ظهور شعر نو کردی:

خوانشی بوردیویی از ساختارشنکی عبدالله گوران و عثمان محمد هورامی

فرشید رستمی<sup>۱</sup>

امیرعباس عزیزی فر<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول)

(مقاله پژوهشی)

تاریخ دریافت: ۱۷ فروردین ۱۴۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۶ شهریور ۱۴۰۴، صص. ۶۴-۴۳

DOI: [10.22034/jokl.2025.143334.1429](https://doi.org/10.22034/jokl.2025.143334.1429)

### چکیده

اوضاع سیاسی-اجتماعی یکی از عوامل تأثیرگذار بر ظهور انواع ادبی به شمار می‌رود. در اواخر سده نوزدهم و نیمه اول سده بیستم، جامعه کردستان با انقلابها و مبارزات زیادی روبه‌رو شد که این اتفاقات در مجموع سبب شدند موج تازه‌ای از تجدید به ادبیات کردی ورود پیدا کند. عبدالله گوران و عثمان محمد، در مرکز ظهور نوگرایی شعر کردی قرار دارند و شعر نو کردی از رهگذر حرکت‌های ساختارشنکانه این دو تن، توانسته است فراز و فرودهای بسیاری را تا به اکنون تجربه کند. پی‌یر بوردیو، جامعه‌شناس و فیلسوف فرانسوی، با طرح نظریه کنش و پیوند آن با مفاهیمی چون عادت‌واره و میدان، توانست از دوگانه‌های ثابت ذهنیت‌گرایی و عینیت‌گرایی فرابرد و عمل کنشگران را همزمان، معلول ذهن کنشگر و فضای پیرامون آنان بداند. پژوهش حاضر با پشتوانه نظریه کنش، با روشی تحلیلی و توصیفی و تطبیق دو شاعر مذکور، به بررسی اوضاع سیاسی-اجتماعی آن دوره و تأثیر این رویدادها بر ظهور شعر نو کردی پرداخته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که نوگرایی گوران و عثمان محمد را نمی‌توان تنها به علتی نظیر تفکر و مدرن‌بودن این دو شاعر تقلیل داد، بلکه اعتراضات و قیام‌های کردها در جای‌جای کردستان و مهاجرت کردها به استانبول از یک سو و سرمایه‌های متنوع شاعران، موقعیت و عادت‌واره آنان از سوی دیگر، تأثیر چشمگیری بر شکستن هنجار شعر کردی به قلم این دو شاعر داشته است.

**واژگان کلیدی:** شعر نو کردی، عبدالله گوران، عثمان محمد هورامی، پی‌یر بوردیو

### کورتیه

بارودوخی سیاسی-کۆمه‌لاییتی یۆ چا هۆکاران کارگیری منبۆ ملوو سهروردای جۆره نهدیه‌کاره، ناخره‌کارو سه‌دو نۆزوی و نیمو یه‌که‌مه سه‌دو و یسینه، کۆمهلگاو کوردستانی تووشو کۆمهلج شوړش و خباتا بیه و هر نینچه گردیشاوه، بیج هۆکار شه‌پولنه تازن جه تازه‌گیری پوه که‌ره نهدمی کوردی. عه‌بلوللا گۆران و عوسمان موحممد، نینب دله‌راسیو سهروردای تازه‌گیری دلج، شیعری کوردیننه و شیعری تازنی کوردیه راو تازه‌گیری و هرمانه رچه‌ماره‌کاو ئی دوه که‌سایه‌تییه‌وه، به‌رزی و نزمیس فرش و یهرتینن. پی‌یر بوردیو، کۆمهلناس و فیلسوفی فرانسوی، به‌تحررو تیتۆزیو کوردی و پیرتیش چهنو چه‌مکانیوه پینسو خوو و میدانی، تاواش جه دوانه هتیم و نه‌گۆرداکو زمینی‌گرایی و عینیت‌گرایی ترازین و کردو که‌سه‌کاش هامکات دهمکوتوو زینوو که‌سه‌که‌ی و فزای جهرینی پیناسه که‌رد. ئی په‌جۆریه هه‌ول ملو جه باه‌وری تیتۆزیو کوردی، به‌شویازی شیکارانی تهموسیفی و هورسنگای نا دوه شاعیری نامینشا بریا، شیکاریو بارودوخی سیاسی-کۆمه‌لاییتیو نا سهرده‌می که‌ره و کارگیری ئی قۆمیانا سه‌روو سهروردای شیعری تازنوه له‌یه‌ک به‌دوه، نه‌جامه‌کی ماچاما په‌نه تازه‌گیری و رچه‌مارای گۆران و عوسمان موحممدی، مه‌کریۆ کول بۆوه دلج هۆکارنوه پینسو ویری سهرده‌میانه و مؤدینوو ئی دوه شاعیری، بلکوو خباتوو کورده‌کا یاگه جیاکار کوردستانیه و کۆچوو کۆمهلج جه شاعیر و رۆشوریا په‌ی نه‌مسته‌میوئلی لاینوه و سه‌رمایه جیاوازه‌کار شاعیرکا، پینگه و خووشا لاینوه تهر، کارگیریوه و رچه‌میش بین سه‌روو مارای چوارچۆکار ناوه‌ختبو شیعری کوردین سه‌روو دهمسو ئی دوه شاعیره‌وه.

**وشه‌گه‌لی سه‌روه‌کی:** شیعری نوئی کوردی، عه‌بلوللا گۆران، عوسمان موحممد هورامی، پی‌یر بوردیو

۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران [farshidrostamihawrami1997@gmail.com](mailto:farshidrostamihawrami1997@gmail.com)

۲. [a.azizifar@razi.ac.ir](mailto:a.azizifar@razi.ac.ir)

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

عبدالله گوران (۱۹۶۲-۱۹۰۴م) به عنوان پدر شعر نو کردی سورانی شناخته می‌شود و هم او بود که برای نخستین بار شعر کردی سورانی را از قید و بند اوزان عروضی و هجایی رهناید و شکل تازه‌ای به شعر بخشید. هر چند به لحاظ جغرافیایی شعر نو کردی، از اقلیم کردستان سر برآورد، اما در بخش کردستان ایران هم شاعران نوگرایی چون سواره ایلیخانی‌زاده، فاتح شیخ‌الاسلامی و علی حسینی به تجدد در شعر کردی اندیشیدند. البته سواره مهم‌ترین این سه تن قلمداد می‌شود. به‌هرروی، تقدم گوران به لحاظ تاریخی و زمانی نسبت به سواره از یک طرف و اعتراف شخصی سواره به تأثیرپذیری‌اش از گوران در مبحث تجدد شعر از طرف دیگر، علت تمرکز این پژوهش بر گوران است. از سوی دیگر، در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی، برای نخستین بار عثمان محمد صالح الفرج (۲۰۲۱-۱۹۴۰م)، در شعر کردی هورامی تحول پدید آورد.

نظرات پی‌یر بوردیو<sup>۱</sup> (۲۰۰۲-۱۹۳۰م) در سال‌های اخیر، موضوع بسیاری از پژوهش‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها بوده است. این نظرات در وهله نخست در رشته‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی و در مرحله دوم در مطالعات بینارشته‌ای مانند جامعه‌شناسی ادبیات پژوهیده شدند. یکی از نظریه‌های معروف بوردیو، «کنش»<sup>۲</sup> است. در جوامع مدرن، انجام هر کنشی از سوی کنشگران آن جامعه، می‌تواند دلایل فراوانی داشته باشد و در میانه این عوامل مؤثر، ذهن کنشگر و محیط بیرونی تأثیرگذار بر او حاکمند. در این پژوهش، سعی شده با گره‌زدن فضای ذهنی شاعران مورد مطالعه با محیط بیرونی، زندگی آنان و قرار گرفتن هر کدام در موقعیت‌های مختلف، مواجهه این شاعران با مقوله ساختارشکنی تحلیل، تطبیق و بررسی شود. این پژوهش برای این شیوه از خوانش انواع ادبی، از نظریه «کنش» پی‌یر بوردیو کمک جسته است. بوردیو خود این نوع خوانش را تحلیل رابطه‌ای توصیف می‌کند (بوردیو، ۱۳۹۹: ۲۹). «هرچند مفهوم کنش را نمی‌توان به تنهایی توصیف کرد و فهم این نظریه، در گرو فهم مفاهیم نوبنیاد منش و میدان و رابطه دیالکتیکی آن‌ها با یکدیگر است» (جمشیدی‌ها و پرستش، ۱۳۸۵: ۱۰).

این رابطه دیالکتیکی در مطالعاتی بینارشته‌ای همچون جامعه‌شناسی ادبیات، نخست به تحلیل و آکاوی پدید آمدن ساختار و شکل‌های تازه ادبی از سوی نویسندگان به مثابه یک کنش ادبی می‌پردازد و با بررسی طبع و خلق و خوی هر کدام از سوژه‌ها و موقعیت آنان در فضاهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، سعی در پیدا کردن یک رابطه وابسته میان کنش شعر، زندگی، طبایع ذاتی و اکتسابی شاعر و تأثیر میدان‌های بیرونی بر او دارد. به بیانی دیگر، در بررسی تطبیقی دو شاعر مذکور که هدف این پژوهش است، نخست اوضاع سیاسی- اجتماعی تحلیل می‌شود و با نگاهی به زندگی و سرمایه‌های

1. P. Bourdieu

2. Practice

فرهنگی این شاعران جریان ساز، ساختار تکوین اولین شعرهای هنجارشکنانه آنان و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن متون، بررسی و تطبیق خواهد شد.

پژوهش حاضر سعی در یافتن ارتباط ظهور و پیدایش شعر نو کُردی سورانی و هورامی - به‌منزله نوع ادبی تازه‌ای در تاریخ این فرهنگ - با شرایط تاریخی، سیاسی و اجتماعی دوره خود است و به دنبال پاسخ این پرسش است که نقش اوضاع بیرونی تا چه اندازه در پدید آمدن این سبک نو شعری دخیل بوده است. پس، کشف نقش زمینه‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر کدام از شاعران و دوره‌ای که در آن زیسته‌اند، مبنای ساختمان این پژوهش است و آن را در ذیل جامعه‌شناسی ادبیات قرار می‌دهد. به طور مختصر، پژوهش حاضر به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

- ۱- زمینه‌های تاریخی - اجتماعی ظهور شعر نو کُردی (سورانی و هورامی) کدامند؟
- ۲- براساس نظریه کنش‌پی‌یر بوردیو، شباهت‌ها و تفاوت‌های این جریان‌ها، در زمینه سرمایه فرهنگی و عادت‌واره‌ها کدامند؟
- ۳- آیا هیچ‌کدام از این جریان‌ها بر دیگری تأثیرگذار بوده است؟ در این صورت نحوه این تأثیرگذاری چگونه است؟
- ۴- ذهنیت، ایدئولوژی، زندگی و منش هرکدام از شاعران هنجارشکن، چه نقشی در پدید آمدن شعر نو داشته است؟

#### ۱-۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه به غنای ادبیات کُردی و تنوع گویش‌های زبانی آن، بررسی متون معاصر و نسبت آثار ادبی با جامعه و جغرافیای نویسندگان و شاعران، می‌تواند خوانش‌های امروزی و تازه‌ای به حرکت نقد ادبی کُردی اضافه کند. تاکنون تطبیق و تحلیل شاعران کُردی با هم، از گویش‌های زبانی مختلف کمتر مورد مطالعه قرار گرفته و بخش اعظم دلیل این امر، به سطر و مرکزیت گویش سورانی در میان گویش‌های کُردی برمی‌گردد؛ از این رو، پژوهش حاضر در نوع خود، رویکردی نوین در پیش گرفته است. در تحقیقات علمی کُردی و در مجلات و روزنامه‌ها و حتی هنگامی که سخن از شعر نو کُردی به میان می‌آید، نویسندگان و پژوهشگران، معمولاً ادبیات معاصر کُردی را به گویش سورانی تقلیل داده‌اند و بیشتر مواقع حتی اشاره کوتاهی به دیگر جریان‌های ادبیات معاصر کُردی در دیگر گویش‌ها نداشته‌اند. با نگاهی گذرا به آرشیو مکتوب و شفاهی جریان شعر نو کُردی، شواهد از این دست به وفور یافت می‌شوند. به عنوان نمونه می‌توان به کتاب‌های شعر نو کُردی (ریشه‌ها) اثر فرهاد پیربال، صدای پیره‌میرد در تجدد شعر نو کُردی اثر فاضل مصطفی و مقالاتی همچون «در دفاع از شعر؛ تجربه مدرنیته در شعر نو کُردی» و «ادبیات جهان؛ از معیارهای جهان‌شمول تا کثرت‌گرایی فرهنگی» نوشته مسعود بیننده نام برد. حتی در کتاب‌هایی هم که به زبانی چون فارسی از شاعران کُرد نوگرا ترجمه شده و در

مقدمه این آثار به صورت مختصر درباره شعر نو کردی سخن به میان آمده، بجز شاعران سورانی‌سرا، هیچ اشاره‌ای به شعر نو کلهوری، کرمانجی یا هورامی نشده است.

به طور دقیق‌تر برای این قسم می‌توان از مقدمه کتاب‌های کاشتن رعد اثر عبدالله پشیو با ترجمه نیروان رضایی، قصه ساده من و آسمان لیلیام اثر بختیار علی با ترجمه رضا کریم مجاور، خنده غمگین‌ترت می‌کند اثر بختیار علی با ترجمه مریوان حلبجه‌ای و دیوار اثر شیرکو بی‌کس با ترجمه بابک زمانی یاد کرد. آشکار است به دلیل محدودیت شکل این نوشتار نمی‌توان از نمونه‌های دیگری نام برد. با این وجود ملاحظات اندکی هم وجود دارد که در آن‌ها نویسندگان جسته‌گریخته سعی در توجه به دیگر نحله‌های شعری کردی داشته‌اند، اما این تلاش‌ها ناتمامند؛ مثلاً در کتاب زبان و ادبیات کردی، نوشته بختیار سجادی و مظهر ابراهیمی، که کتابی درسی، علمی و تخصصی برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات کردی در دانشگاه کردستان لحاظ شده، در بخش شعر نو کردی، به جریان شعر نو هورامی اشاره‌ای نشده است. برای کتاب سرآغاز شعر نو کردی و تحول فرم‌های آن اثر انور معرفت نیز داستان به همین قرار است. همچنین بیننده در مقاله ادبیات جهان که پیشتر ذکر شد، از جریان شعر نو هورامی همچون انقطاعی فرهنگی یاد می‌کند!

حقیقت این است مسئله تنوع جریانات شعر معاصر کردی متکی بر گویش‌های مختلف زبانی، خود حدیث مفصل بحث‌برانگیزی است و لاجرم بایستی در پژوهشی مستقل به تفصیل بیان شود، با این همه، تمام این کاستی‌ها و چشم‌پوشی‌ها در حالی است که تنوع جریانات ادبی و گویش‌های زبانی، نه تنها برای زبان و ادبیات کردی تهدید تلقی نمی‌شود، بلکه آن را بیش از پیش ثروتمند و پربارتر می‌کند.

## ۲- پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های زیادی درباره شاعران نوپرداز کرد و نسبت متون آنان با اوضاع سیاسی-اجتماعی نوشته شده است. همچنین برخی محققان تلاش کرده‌اند شاعران نوگرای کرد را با شاعران سنت‌شکن فرهنگ و کشورهای دیگر تطبیق و مقایسه کنند. درباره عبدالله گوران پژوهش‌های فراوانی از این دست وجود دارد. به عنوان مثال سید جمال هاشمی در پایان‌نامه خود (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی نابسامانی‌های اجتماعی در اشعار معروف الرصافی و عبدالله گوران» بر بازنمایی رویدادهای اجتماعی و سیاسی در آثار شاعران مذکور تأکید کرده است.

عمر طاهر (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «نیما یوشیج و عبدالله گوران؛ نوگرایی و گسست»، به جنبه‌های شکلی و فرمی نوگرایی نیما یوشیج و عبدالله گوران پرداخته است.

مهناز شریعتی (۱۳۸۸) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی تطبیقی شعر نو فارسی و کردی با توجه به اشعار نیما یوشیج و عبدالله گوران»، اشعار این دو شاعر را در دو بخش فرم و محتوا، مضامین شعری آنان و صور خیال اشعار نیما و گوران تحلیل کرده است.

درباره عثمان محمد پیشینه چندان وجود ندارد. هرچند عادل محمودپور در کتاب‌های هورزانه (۱۴۰۰) و طرح (۱۳۹۲) و رثوف محمودپور در کتاب *گوژمانه* (۱۳۹۷)، سرآغاز نوگرایی شعر هورامی به قلم عثمان محمد و گذار از قوالب سنتی را بررسی کرده‌اند، اما درباره پیوند متون شعری این شاعر به طور خاص و ارتباط شعر نو هورامی به طور عام با اوضاع سیاسی-اجتماعی سخنی به میان نیاورده‌اند. نیز به عوامل برون‌متنی و روابطی که بر عثمان محمد در راستای تغییر شکل شعر هورامی تأثیر گذاشته‌اند به تفصیل نپرداخته‌اند. تاکنون هیچ‌کدام از شاعران مورد مطالعه این پژوهش، بر مبنای نظریه «کنش» پی‌یر بوردیو پژوهیده نشده‌اند و نویسندگان پژوهش حاضر با تطبیق دو شاعر کرد با دو جریان ادبی متفاوت، رویکردی نوین در بررسی حرکت شعر نو کردی ارائه داده‌اند.

### ۳- مبانی نظری

پی‌یر بوردیو را می‌توان متعلق به جریان نو مارکسیستی دانست. از نظریه‌ها و آرای او در مطالعات متأخر جامعه‌شناسی، بسیار استقبال شده است. بوردیو از متقدمان خود و در رأس آن‌ها کارل مارکس<sup>۱</sup> تأثیر پذیرفته، اما «ویژگی نوآورانه رویکرد بوردیو عمدتاً به عزم وی برای فرارفتن از تضادهای سنتی در جامعه‌شناسی بازمی‌گردد که در قالب جفت‌های ذهنیت‌گرایی/عینیت‌گرایی، نمادی/مادی، نظریه/تجربه و کل‌گرایی/فردگرایی نمادپردازی می‌شوند و از این طریق رویکردی را پی‌یر می‌ریزد که آن را می‌توان ساختارگرایی تکوینی یا برساخت‌گرا نامید» (بون‌ویتز، ۱۳۹۹: ۱۲).

لوسین گلدمن<sup>۲</sup> (۱۹۷۰-۱۹۱۳م) و پی‌یر بوردیو، از مطرح‌ترین جامعه‌شناسان روش ساختارگرایی تکوینی هستند؛ همان روشی که پژوهش حاضر پیرو آن است. مقصود گلدمن از تکوینی این است که «ساختارهای ذهنی از لحاظ تاریخی چگونه پدید می‌آیند، به عبارت دیگر، با روابط میان یک جهان‌نگری و شرایط تاریخی پدیدآورنده آن سر و کار دارد» (ایگلتون، ۱۴۰۰: ۶۱).

بوردیو با عبور از دوگانه‌های استوار و قدیمی سوژکتیویسم<sup>۳</sup> و ابژکتیویسم<sup>۴</sup>، سعی در یافتن و طرح‌ریزی خوانشی نوین از واقعیت است که مبنای این دیدگاه تازه، خلق نوعی پیوند و رابطه میان اقسام مختلف تأثیرگذار در پدیدآمدن واقعیت اجتماعی است.

«بوردیو به تاسی از ارنست کاسیرر شیوه تفکر خود را تفکر رابطه‌گرا نام می‌نهد و آن را در مقایسه با شیوه تفکر ذات‌گرا و در تقابل با آن تعریف می‌کند؛ شیوه ذات‌گرا نوعی تفکر ایستاست که لاجرم بر امور معین تمرکز دارد و از دیدن روابط بین امور ناتوان است، زیرا رؤیت روابط مستلزم دستگاه نظری دیگری است که بنیادش متفاوت با دیدگاه‌های عین‌گراست» (پرستش، ۱۳۹۳: ۲۹)؛ بنابراین برای

1. K. Marx
2. L. Goldmann
3. Subjectivism
4. Objectivism

پیش فرض قراردادن تفکر رابطه‌ای، باید گفت تعریف نظریهٔ کنش، مستلزم فهم و دریافت مفاهیم دیگری است که بوردیو آن‌ها را در کنار هم و در رابطه با هم تعریف و تشریح کرده است؛ بنابراین لازم است هر یک از این مفاهیم را که شامل کنش، عادت‌واره<sup>۱</sup>، میدان<sup>۲</sup>، سرمایه<sup>۳</sup> و موقعیت<sup>۴</sup> می‌شوند، نخست به تنهایی تعریف کرد و در وهلهٔ دوم، نقش و دخالت هر کدام را در ساختاری کلی که کنش نام دارد بررسی کرد.

### ۳-۱- کنش

کنش به خودی خود امکان‌پذیر نیست و تعریف این مضمون منوط به فهم مفاهیم دیگر است. بوردیو در کتاب نظریهٔ کنش<sup>۵</sup> پس از اینکه اقرار می‌کند غرض او از نظریهٔ کنش مخالفت با خوانشی «ذات‌گرا» است، اضافه می‌کند:

دنیای تفکر ذات‌گرا در واقع دنیای حس مشترک و برداشت عامیانه-و نوعی نژادگرایی- است و در پی آن است تا فعالیت‌ها و پسند و ناپسند‌های جمع خاصی از افراد یا گروه‌ها را در شرایط زمانی و مکانی خاص، به عنوان اوصاف ذاتی آن‌ها معرفی می‌کند (بوردیو، ۱۳۹۹: ۳۰ و ۳۱).

مشخصهٔ هر کنشی از نظر بوردیو، بسته به شرایط، موقعیت‌ها و فضاهایی مختلف است. به این معنی که نخست محیطی که سوژه در آن زندگی می‌کند و تعاملاتی که با دیگران دارد، بر عادات و سلیق و رفتار او تأثیر می‌گذارد.

کنش از دیدگاه بوردیو بر چهار پایهٔ معنای عمل، تمایز، منطبق و خیم استوار است و این چهار مفهوم اساس نظریهٔ کنش او هستند و با استفاده از این چهار مفهوم، بوردیو تلاش می‌کند تا از دوگانه‌های عقل/احساس، سود/عاطفه، کنش منطقی/غیرمنطقی، عقلانی/غیرعقلانی گذر کند (ایوبی، ۱۴۰۱: ۴۸).

### ۳-۲- عادت‌واره

منظور از عادت‌واره همان عادات و رفتاری است که در فرد کنشگر نهادینه شده است. این کردارها به نوعی بازنمایی ساختار اجتماعی هستند؛ به این منظور که سیستم اجتماعی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، نظامی از علایق و طبایع را در افراد جامعه نهادینه می‌کند. عادت‌واره موجب می‌شود که مفهوم‌پردازی بوردیو در مورد جامعه و عامل اجتماعی به هم پیوند بخورند.

این مفهوم، واسطهٔ بین فرد و جامعه و پیونددهندهٔ آن‌هاست؛ به‌واسطهٔ انگارهٔ عادت‌واره نظریهٔ خاصی در مورد تولید اجتماعی عاملان و منطق کنش آن‌ها به وجود می‌آید. به باور بوردیو، جامعه‌پذیری با تضمین ادغام عادت‌واره‌های طبقاتی، به‌واسطهٔ بازتولید طبقه به مثابه گروهی که عادت‌واره مشابهی

1. Habitus
2. Field
3. Capital
4. Situation
5. Action Theory

دارند، در افراد تعلق طبقاتی ایجاد می‌کند، از این‌رو این مفهوم بنیان بازتولید نظم اجتماعی است، اما باید توجه داشت که این مفهوم به همان اندازه که اصل حفظ وضعیت موجود است، می‌تواند به سازوکار نوآوری و در نتیجه تغییر نیز تبدیل شود (بون‌ویتز، ۱۳۹۹: ۸۹).

از نظر بوردیو عادت‌واره‌ها «علاوه بر اینکه تمایز یافته‌اند، خود از عوامل تمایز هم هستند؛ عادت‌واره‌ها اصول مختلف تفاوت‌گذاری را تألیف می‌کنند و اصول مشترک تفاوت‌گذاری را به صورتی متفاوت مورد استفاده قرار می‌دهند» (بوردیو، ۱۳۹۹: ۳۶). بوردیو عادت‌واره را نظامی از طبایع تعریف کرده است. مجموعه‌ای از خلق و خوهای فراهم آمده در شخصیت کنشگر که نحوه مواجهه او با موقعیت‌های مختلف را جهت می‌بخشد. به اعتقاد ریتزر نکته مهم درباره عادت‌واره این است که بیشتر جنبه اکتسابی دارد و صرفاً مجموعه‌ای از انگیزه‌های روانی نیست، بلکه محصول جامعه‌پذیری بلندمدت در شرایط اجتماعی خاص یا موقعیت معین است (ریتزر، ۱۳۷۷: ۷۲۱).

### ۳-۳- موقعیت

بوردیو معتقد است که صرف بودن در جهان اجتماعی، به معنی بودن در موقعیت است؛ یعنی زمان و مکانی معین. بدین ترتیب افرادی که از موقعیت مشترک در یک فضا برخوردارند از عادت‌واره مشترک نیز برخوردار می‌شوند و سازوکار جامعه‌پذیری، خوی و خصلت خاصی را در آنان جایگزین می‌کند (پرستش، ۱۳۹۳: ۶۷). در حقیقت متناظر با هر موقعیت، نوعی از وجوه اجتماعی شکل می‌گیرد که متناسب با آن موقعیت است. «موقعیت همان حلقه‌ایست که مفهوم منش را به لحاظ وجودی به مفهوم میدان گره می‌زند و این دو مفهوم را در رابطه دیالکتیکی با هم قرار می‌دهد» (همان: ۶۹).

### ۳-۴- میدان

از نظر بوردیو میدان مجموعه‌ای از روابط بین موقعیت‌های مختلف در فضای اجتماعی است. فضیلت ایده میدان در این نکته نهفته است که از نگرش معمول به جهان اجتماعی فاصله می‌گیرد و به جای توجه به امور متعین و مشهود، بر روابط نامتعین و نامشهود تکیه می‌کند (جمشیدیها و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۵). بوردیو نظریه میدان را، از نظریه میدان‌های فیزیکی به عاریت گرفته است که مشتمل بر میدان الکتریکی، میدان مغناطیسی و میدان جاذبه است. کنش ذرات مختلف با توجه به حجم نیرو در هر کدام از این میدان‌ها می‌تواند متغیر باشد. در هر میدان منازعات مختلفی وجود دارد.

این منازعات اساساً بر سر قواعد حاکم بر میدان و تعریف آن‌هاست، چراکه با تحکیم یا تضعیف این قواعد، محدوده عملکرد میدان مشخص شده و مرزهای آن بازتعریف می‌گردد (همان: ۲۲). بنابراین «اگر جهان اجتماع، با تقسیم‌بندی‌هایش، چیزی است که عاملان اجتماعی به صورت فردی و به ویژه به صورت گروهی، از خلال تعاون و تنازع میان خود، باید ایجاد کنند و انجام دهند، لاجرم این انجام و ایجاد، در یک خلأ اجتماعی صورت نمی‌گیرد؛ جایگاه اشغال شده در فضای اجتماعی، یعنی در ساختار

توزیع انواع مختلف سرمایه، تعیین‌کنندهٔ احوالات این فضا و موضع‌گیری در منازعات برای حفظ یا تغییر آن است» (بوردیو، ۱۳۹۹: ۴۳-۴۴).

### ۳-۵- سرمایه

بوردیو مفهوم سرمایه را از سرمایهٔ مارکس به عاریت گرفته است. هرچند میان تفکر و خوانش بوردیو و مارکس از سرمایه تفاوت‌های عمده‌ای وجود دارد و برخلاف مارکس، سرمایه، تنها متمرکز بر سرمایهٔ اقتصادی نیست. به نظر بوردیو میان تمام میدان‌ها، میدان اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نوع سرمایه و تأثیرگذاری آن در موقعیت‌هایی مختلف که در نهایت نقش عمده‌ای در عادت‌واره و کنش عاملان دارد، در هر کدام از این میدان‌ها متفاوت است. «از دیدگاه بوردیو، چهار نوع سرمایه را می‌توان از یکدیگر متمایز کرد: سرمایهٔ اقتصادی، سرمایهٔ اجتماعی، سرمایهٔ فرهنگی و سرم سرمایهٔ نمادین» (بون‌ویتز، ۱۳۹۹: ۶۸ و ۶۷).

غرض و مقصود اصلی بوردیو از طرح مفهوم سرمایه، تأثیر آن در قرارگرفتن کنشگران در موقعیت‌های متنوع فضای اجتماعی است. لازم به ذکر است که مفهوم سرمایه، خصوصیتی اکتسابی دارد و همین امر باعث می‌شود سرمایه از قابلیت تبدیل شدن برخوردار باشد.

### ۴- بحث و بررسی

#### ۴-۱- مروری کوتاه بر زندگی عبدالله گوران

عبدالله گوران، در سال ۱۹۰۴م در شهر حلبجه، واقع در اقلیم کردستان چشم به جهان گشود. دوران کودکی‌اش را در شهر حلبجه گذراند و سپس در مدرسهٔ «پاشا»، در همان شهر، آغاز به تحصیل علوم حوزوی و دینی اهل سنت کرد. در سال ۱۹۲۱م در مدرسهٔ علمیهٔ کرکوک تحصیلات ابتدایی‌اش را ادامه می‌دهد. گوران در سال ۱۹۳۷م به استخدام آموزش و پرورش درآمد و توانست معلم شود. پس از مدتی، به کمک توفیق وهبی، نویسنده، زبان‌شناس و تاریخ‌نویس گُرد در ادارهٔ راهداری استخدام شد. «در دورهٔ جنگ جهانی دوم، از سال ۱۹۴۲م تا آخر سال ۱۹۴۴م، به همراه ره‌مزی قزار و رفیق چالاک، در ایستگاه رادیویی شرق نزدیک، در شهر یافای فلسطین کار کرده است، این ایستگاه رادیویی از سوی انگلیس برای پروپاگاندا جنگ علیه آلمان هیتلری تأسیس شده بود» (خزنده‌دار، ۲۰۰۶: ۵۷۳ و ۵۷۴). در سال ۱۹۵۲م، به استخدام روزنامهٔ «ژین» درآمد. به دلیل اندیشه‌های مارکسیستی، در سال ۱۹۵۴، گوران از روزنامهٔ «ژین» اخراج و در همان سال، به همراه برخی از دگراندیشان، به دلیل فعالیت‌های سیاسی-مدنی دستگیر شد. پس از آزادی از زندان در همین سال، به یاری و همت رفیق چالاک، در یک پروژهٔ ساختمانی مشغول به کار شد.

شاید یکی از رخدادهای درخور توجه زندگی پر فراز و نشیب گوران را بتوان آشنایی با بدر شاکر السیاب، شاعر جریان‌ساز عرب در سال ۱۹۵۶ در بغداد دانست. او پس از چندین سال اقامت در بغداد،

به سلیمانیه برگشت و مدتی سردبیر روزنامه «شفق» شد و با نام «به‌یان» آن را منتشر کرد. گوران سفرهای زیادی به کشورهای مختلفی داشته است که می‌توان از جمله آن‌ها به سفر به اتحاد جماهیر شوروی، چین و کره شمالی اشاره کرد. در سال ۱۹۶۰م، گوران در دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد، تدریس بخش کُردی را بر عهده گرفت و علاوه بر آن، در همین سال، به عضویت هیئت تحریریه روزنامه «آزاد» در بغداد درآمد. سرانجام گوران، در زمستان ۱۹۶۲م، چشم از جهان فروبست.

پدر گوران علاوه بر زبان کُردی، بر فارسی هم مسلط بوده است و حتی برخی لقب کاتب فارسی را بر او نهاده‌اند. «گوران، پیش از هر زبان بیگانه‌ای، به واسطه کتاب «اسکندرنامه» و یاری پدرش، در کودکی فارسی را آموخته، نیز بعداً زبان‌های ترکی، عربی و تا جایی که بتواند انگلیسی را با کمک فرهنگ لغت بخواند، یاد گرفته است» (حلمی، ۲۰۱۰: ۱۹۹). نخستین کتاب شعری که از گوران منتشر شده، کتاب «بهشت و یادگار» است که در سال ۱۹۵۰ در بغداد و در چاپخانه «معارف» به چاپ رسیده است. از تاریخ انتشار کتاب‌های دیگر او، به نظر می‌رسد دیگر آثار گوران، پس از خاموشی او به چاپ رسیده‌اند؛ کتاب «سرشک و هنر» در سال ۱۹۶۸، «طبیعت و درون» در سال ۱۹۶۹ و کتاب «لاوک و پیام» در سال ۱۹۶۹م به چاپ رسیده‌اند و دیوان گوران نخستین بار در سال ۱۹۸۰ در بغداد منتشر شده است.

#### ۴-۲- اوضاع سیاسی - اجتماعی کُردستان در دوره عبدالله گوران

پدیده جهان‌شمول استعمار، به دست قدرت‌هایی چون انگلیس، فرانسه و روسیه، به مانند کشورهایی چون ایران و ترکیه، بر کُردستان هم تأثیر گسترده خود را گذاشت و می‌توان گفت بیشتر رخدادهای سیاسی در زمان مذکور، که به نوعی واکنش به دست‌درازی دولت‌های اروپایی و تعاملات آن‌ها با برخی کشورهای خاورمیانه بود، سرآغاز مبارزات سیاسی در کُردستان شد که در نهایت، موازی با تغییر و مدرنیزاسیون رخساره اجتماع و اندیشه مردم، به نوآوری در ادبیات هم انجامید.

در اواخر سده نوزدهم و نیمه اول سده بیستم، به طور دقیق نمی‌توان مرز مشخصی میان فعالیت شاعران، نویسندگان و روزنامه‌نگاران با میدان سیاست تبیین کرد؛ به عبارتی دیگر، ممکن است یک شاعر یا نویسنده همزمان در این زمان، روزنامه‌نگار، مبارز سیاسی، نویسنده و منتقد هم بوده باشد. اما در هر صورت، می‌توان عوامل سیاسی - اجتماعی در کُردستان را که باعث تجدد در ادبیات و شعر شدند، به دو گونه بیرونی و درونی تقسیم کرد. مراد از عوامل بیرونی، مبارزات و قیام‌های سیاسی است و عوامل درونی را می‌توان به مفهوم انجمن‌ها و جمعیت‌های روشنگری، که هدف و آمال آن‌ها در مرحله نخست فرهنگ و ادبیات و سپس سیاست بوده، معنی کرد.

در این دوره، زندگی مردم در سراسر کُردستان، توأم با اتفاقات سیاسی است و همین تحولات، چهره بیرونی و درونی کُردستان را به شکل عمده‌ای متحول کردند که می‌توان از مهم‌ترین این رخدادهای به این موارد اشاره کرد:

۱. قیام یزدان شیر در سال ۱۸۵۳م، که در بحبوحه جنگی سخت بین روسیه و دولت عثمانی به وقوع پیوست.
۲. قیام شیخ عبدالله نه‌ری در سال ۱۸۸۰م.
۳. قیام شیخ عبدالسلام بارزانی از سال ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۴م که به دست حکومت عثمانی سرکوب شد.
۴. قیام شیخ محمود حفید در سال ۱۹۱۹م در سلیمانیه، که از مهم‌ترین اتفاقات سیاسی به شمار می‌رود، به طوری که در تغییر گسترده و همه‌جانبه پدیده‌های اجتماعی، و بیداری مردم تأثیر گذاشت.
۵. قیام سمکوی شکاک در سال ۱۹۱۹م.
۶. قیام شیخ سعید پیران در سال ۱۹۲۵م که ارتش عثمانی با همکاری دولت فرانسه، آن را سرکوب کرد (محمدامین بالکی، ۲۰۰۵: ۳۳، ۳۴).

این مبارزات در ادبیات آن زمان و خصوصاً شعر، به گونه زیاد و چشمگیری تأثیرگذار بود؛ به نحوی که شعر سیاسی و ملی، موازی با اندیشه و پیام‌های ناسیونالیستی، بیشتر آثار شاعران آن زمان را دربرگرفت و به اصلی‌ترین محتوا و درون‌مایه بدل شد. در اواخر سده نوزدهم، دسته‌ای از کردهای جوان، برای تحصیل دانش و آموختن علوم جدید به استانبول سفر کردند. آن جوانان در ترکیه، با آشنایی با تفکر و اندیشه‌های تازه، آشنایی با ادبیات مدرن اروپا و شعر نو ترکی، برقراری ارتباط با بنیان حرکت‌های جدید ادبی ترکیه، تأسیس چندین نهاد روشنگری و همراهی کردهای جوان با شاعران و نویسندگان جوان ترک در پیشبرد جامعه و ادبیات به سمت ژانرهای جدید، چه زمانی که در استانبول به سر می‌بردند و چه زمانی که به کردستان بازگشتند، تحول بسیاری در ادبیات و جامعه و امور سیاسی کردستان به وجود آوردند.

روشنفکران و نویسندگانی که بخشی از عمر خود را در استانبول به سر بردند، از سال ۱۹۲۳م به بعد، با ممنوع شدن زبان و ادبیات کردی در ترکیه و آزار و اذیت آن‌ها به دست رژیم کمالیستی، دسته‌دسته به کردستان برگشتند؛ حسین حزن‌ی موکریانی، پیره‌میرد، اسماعیل حق‌ی بابان، رفیق حلمی و امین زکی‌بیگ به کردستان عراق و برادران بدرخان، عثمان صبری، قدریجان و جگرخوین به کردستان سوریه برگشتند (پیربال، ۲۰۰۷: ۲۸).

در بخش عوامل درونی، شاعران، روشنفکران و نویسندگان کرد مقیم استانبول، مراکز مختلفی را در ارتباط با اندیشه و فرهنگ و ادبیات کردی تأسیس کردند. مهم‌ترین این جنبش‌ها عبارتند از:

۱. انجمن سیاسی - روشنگری تعاون و ترقی کردی، که در سال ۱۹۰۸م در شهر استانبول تأسیس شد.
۲. انجمن هیفی، که در سال ۱۹۱۲م شکل گرفت و نخستین حرکتی به شمار می‌رود که مختص به دانشجویان کورد بود.
۳. انجمن جهاندانی، که در سال ۱۹۱۲م به دست عبدالرزاق بدرخان و به یاری سمکوی شکاک در شهرهای خوی و ماکو شکل گرفت.
۴. انجمن کردستان که در سال ۱۹۲۲م در شهر سلیمانیه شکل گرفت و نخستین حرکت سیاسی - روشنگری در این شهر به شمار می‌رود.
۵. انجمن علمی کوردها، که انجمنی روشنگری بود و در سال ۱۹۲۶م تأسیس شد.
۶. انجمن خودبودن

(خوئیسون)، که انجمن سیاسی مهمی بود و در سال ۱۹۲۷م، در شهر بحدون لبنان، به دست کردهایی چون جلادت بدرخان و ممدوح سلیم شکل گرفت (محمدامین بالکی، ۲۰۰۵: ۲۸ - ۳۱).  
در پی مبارزات و تأسیس انجمن‌های مذکور، صنعت چاپ و روزنامه وارد کردستان شد؛ روزنامه و مجلاتی که نقش بسزایی در انتشار شعر در آن روزگار داشتند. هرچند کردها در مبارزات و قیام‌هایی که درباره آن‌ها سخن به میان آمد، به شکل تمام و کمال به خواسته‌های خود نرسیدند و مهم‌ترین قیام کردها در عراق، به شکست سپاه شیخ محمود و بازپس‌گیری سلیمانیه تحت سلطه انگلیس منجر شد؛ اما آشنایی نخبگان و مردم با عناصر مدرنیسم، افکار و اندیشه‌های آنها را متحول کرد و ادبیات هم از این تجددخواهی جا نماند. وضعیت داخلی دیگری که در پی این رویدادها رفته‌رفته منسوخ شد، سیستم ارباب-رعیتی بود؛ نوعی زندگی که بیشتر مردم در طبقه فرودست آن می‌زیستند و رعیت‌هایی برای ارباب‌های معدودی بودند.

پیربال، شاعر و نویسنده کرد قائل به پنج جریان فکری در زمان مبارزات سیاسی-اجتماعی کردها در این زمان است:

۱. برپایی حکومتی دستوری در دولت عثمانی که سهم کردها به مانند ملت‌های دیگر در این جغرافیا باشد.
۲. ایدئولوژی اسلام‌گرا که معتقد بود مشکلات کردستان تنها از راه دین قابل حل است.
۳. اندیشه عثمانی و پان‌عثمانیزم که بر این باور بود کردها لزوماً باید در چارچوب دولت عثمانی به حق و حقوق خود دست یابند.
۴. ایدئولوژی فدرالی و کنفدرالی که برای نخستین بار توسط زنی چون سریا بدرخان در سال ۱۹۱۷م مطرح شد.
۵. اندیشه جدایی از دولت عثمانی و برپایی دولتی مستقل برای کردستان (پیربال، ۲۰۰۷: ۳۴).

#### ۴-۳- میدان تولید ادبی در دوره گوران

پس از بنیاد شهر سلیمانیه، شاعران در سرایش شعر به زبان کردی گورانی (هورامی) که زبان استاندارد ادبی جغرافیای کردستان تلقی می‌شد، پشت کردند و همچنین وزن رایج مثنوی ده‌هجایی (۵+۵)، را کنار گذاشتند. زین‌پس، عروض و بحور عربی، وزن رایج شعر می‌شود و زبان مرسوم شعر، کردی سورانی. همچنین، غزل‌سرایان مطرحی همچون نالی، سالم و کوردی، در میدان شعر کردی سورانی سر برمی‌آورند. این روند تا دوره آغاز مبارزات و قیام‌های مردم کردستان که ذکر آن‌ها پیش‌تر رفت، ثابت است. شاعران و نویسندگان کرد به‌واسطه آشنایی با حرکت‌های مترقی ادبیات ترکی، دست به نوگرایی در ادبیات زدند. از نمونه این اصلاح‌گرایان، می‌توان به پیره‌میرد و رفیق حلمی اشاره کرد. مهم‌ترین جنبش‌های ادبی ادبیات عثمانی که تأثیری چشمگیر بر تکوین شعر نو کردی گذاشتند عبارتند از:

۱. جنبش ادبیات نو: در سال ۱۸۹۶م، با همت برخی جوانان ترک همزمان با انتشار مجله «پروت فنون» شکل گرفت و مهم‌ترین شاعران این جنبش عبارتند از توفیق فکرت و جلال ساهر.
۲. جنبش فجری آتی: این جنبش از سوی برخی جوانان «جنبش ادبیات نو»، با تعطیلی مجله «پروت فنون» در

سال ۱۹۰۱م شکل گرفت و هدف آن‌ها متجددکردن زبان و ادب و علوم اجتماعی بود. از شاعران شناخته شده این جنبش می‌توان به جلال ساهر، احمد هاشم و شهاب‌الدین سلیمان اشاره کرد. ۳. جنبش ادبیات ملی: این جنبش پس از انقلاب عثمانی‌ها در سال ۱۹۰۸م شکل گرفت. یکی از اهداف این جنبش که بعداً بر نگرش شاعری چون گوران تأثیر گذاشت، بازگشت و رجوع به سرچشمه‌های ملی و استفاده از آن‌ها در نوکردن ادبیات، پشت کردن به وزن عروضی و بازگشت به وزن هجایی بود. ۴. جنبش ادبیات جمهوری: این جنبش پس از اعلان جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳م تشکیل شد. این حرکت مجله «وارلق» را منتشر می‌کرد که سردبیر آن ناظم حکمت، شاعر شناخته شده و جهانی ترکیه بود. این جنبش به آزادشدن شعر ترکی از قید و بند هجا و وزن عروضی کمک فراوانی کرد (محمدامین‌بالکی، ۲۰۰۵: ۲۰-۲۲).

شاعران پیش از گوران، محتوای شعر را از درون مایه کلاسیک و از مد افتاده قدیم رها ساختند. شاعر و نویسنده‌ای چون پیره‌میرد، به مانند بیشتر هم‌نسلان خود، زبان‌های خارجی از جمله ترکی را می‌دانست و گاه متونی از دیگر زبان‌ها را به کُردی ترجمه می‌کرد و در روزنامه‌های آن زمان منتشر می‌کرد. همچون دیگر شاعران کُرد در این دوره، ضروری‌ترین مسئله برای پیره‌میرد، اوضاع و نابسامانی‌های کُردستان و مردم کُرد است. مثلاً او در شعری برای اعدام شیخ سعید پیران و شیخ عبدالقادر نقشبندی در دیاربکر می‌نویسد:

هاتن شه‌هیدلان به جلی سووری خوئنه‌وه / دایکی وتنه ده هه‌سه، سلاویان بستینه‌وه  
شیخ قادره له پیشه‌وه سه‌رقافلای نه‌وان / چهن جوانه خوین و پِیشی سپی پیر و نه‌وجه‌وان (خه‌زنه‌دار،  
۲۰۰۵: ۱۲۰).

یکی دیگر از شاعرانی که در نوشتن شعر کُردی به لحاظ محتوا نقش زیادی داشته، عبدالله زیوه (۱۹۴۸-۱۸۷۵م) است. او مانند پیره‌میرد، مدتی در استانبول به سربرد و زبان ترکی را کاملاً بلد بود. اصلی‌ترین درون‌مایه اشعار او، وطن و مسائل اجتماعی و انسان‌دوستی است، تا جایی که برای فلسطین شعر می‌سراید. شاعر دیگری که در نوشتن محتوای شعر کُردی تأثیر فراوانی بر شاعران بعد از خود گذاشت، فایق بی‌کس (۱۹۰۵-۱۹۴۸م)، پدر شاعر شناخته‌شده کُرد، شیرکو بی‌کس است. واقعیت اجتماعی زندگی مردم کُردستان و مسائل ملی، اصلی‌ترین درون‌مایه اشعار او به شمار می‌روند، تا جایی که خه‌زنه‌دار از او به عنوان شاعری ملی یاد می‌کند. او در شعری چنین می‌نویسد:

خه‌یالاتی شه‌وه و رۆژم ژبانی میلیته‌تی کورده / ته‌من‌نام لای خودا دائیم ژبانی میلیته‌تی کورده  
به دائیم دل په‌شپوای په‌شپوای میلیته‌تی کوردم / وه‌کورو بولبول سه‌ه‌رخوانیم ژبانی میلیته‌تی کورده  
(بی‌کس، ۲۰۱۱: ۱۷۷).

علاوه بر شاعران نام‌برده، کسان دیگری همچون رفیق حلمی، حاجی‌قادر کویی، همدی و... اشعار بسیاری با مضامین سیاسی و اجتماعی نوشته‌اند که در شکل‌گیری میدان تولید ادبی سهیم بوده‌اند. گسترش ناسیونالیسم، اندیشه‌های کمونیسمی، رواج روزنامه‌نگاری و صنعت چاپ، رواج ترجمه از زبان‌های دیگر به کُردی، پدیدآمدن مباحثی تازه درباره ادبیات و شعر، تأسیس مدارس نوین برای

دانش‌آموزان، تولید متونی دربارهٔ عقب‌ماندگی و تفکرات کهنه و سنتی مردم کردستان و تشویق نخبگان، شاعران و روشنفکران به کسب علوم و فنون جدید، همه از جمله عوامل مهمی هستند که دو میدان اصلی در کردستان و خصوصاً کردستان عراق را شکل می‌دهند؛ میدان سیاست و میدان تولید ادبی. میدان تولید شعر، در این زمان، کاملاً در خدمت میدان سیاست و آرمان‌های آن است و شعر، اصلی‌ترین تریبون اندیشه‌های سیاسی است؛ به گونه‌ای که شاعران به مناسبت‌های متنوعی در این دوره شعر سروده‌اند، از جمله قیام مردم، شهید شدن رهبران جنبش‌ها و مبارزات، پیروزی انقلاب‌ها، حمایت از رهبران سیاسی، تأسیس روزنامه‌ها، تأسیس مدارس و حتی پیروزی رهبران دیگر در کشورهای اروپایی. به عبارتی دیگر، به دلیل سیطرهٔ میدان سیاست در دورهٔ گوران در کردستان، هر میدان دیگری در این دوره که قابل تعریف باشد، زیر سایه و در خدمت میدان سیاست قرار گرفته است. این است که شاعران نوگرا در محتوا میدان تولید ادبی عظیمی خلق می‌کنند که خلاقیت ادبی شکل‌محور در آن و تغییر ساختار قراردادی شعر، در اولویت نیست و شاعران درونمایه‌های تازه را در قالب‌های هجایی و عروضی شعر، با تمام شاخه‌های آن می‌ریزند. این شیوه از تولید ادبیات و خصوصاً شعر، تا دوره‌ای ادامه دارد و تغییر و اصلاح فرم و شکل شعر، در آثار کسی چون او و شیخ‌نوری به شیوهٔ مدرن قابل ملاحظه است.

شاعرانی که در زیرمیدان شعر کردی سورانی دست به تجدد و تغییر فرم زدند، سه نفر بودند؛ شیخ نوری، گوران و رشید نجیب. شیخ‌نوری شیخ‌صالح (۱۸۹۶-۱۹۵۸م) از جمله کسانی بود که در روزنامه‌ها علاوه بر نشر شعر، دربارهٔ ادبیات و نقد ادبی مقاله و یادداشت نوشت و مطرح کردن این بحث‌های نظری از سوی نوری و کسی چون گوران، سبب به وجود آمدن اصل تمایز در این شاعران و به نوعی، خلق قطب مستقل و محدود در میدان تولید شعر بود؛ به گونه‌ای که شیخ نوری، در دوره‌ای که سردبیر روزنامهٔ «ژیان» بود، سلسله مقالاتی دربارهٔ نقد ادبی، با تأثیرپذیری از آنچه در جریان نقد ادبیات عرب خوانده بود، منتشر می‌کند.

رشید نجیب، مدتی سردبیر روزنامهٔ «ژیان» بود و نخستین شعر گوران را او در همین روزنامه منتشر کرد. نجیب در شعرهای نوی که نوشته، خود را مقلد شعر نو عثمانی می‌داند و با تأثیرپذیری از شاعران تجددخواه ترک دست به نوآوری زد. تقلید او در این قسمت از شعر «عشق و خیال» در سال ۱۹۲۷م، به وضوح دیده می‌شود:

ئه‌وقاتی ئه‌بی رۆحم ئه‌کا ته‌رکی مه‌کانی

وه‌ک ته‌یری جینانی

هه‌روه‌ک که وه‌رس بوویع له دیداری هه‌قیقه‌ت

یه‌عنی که له زات

ته‌سلیمی خه‌یالاتی ته‌کا دهستی عهنانی (احمدی، ۱۴۰۱: ۶۰۶).

اوضاع میدان تولید شعر بر این قرار بود که گوران در عرصه ظهور کرد. باید اذعان داشت که هیچ‌کدام از شاعران نوپرداز، چه نوگرا در فرم و چه نوگرا در محتوا، به‌اندازه‌ی گوران، بر ضرورت تحول شکل شعر کردی آگاهی نداشتند. گوران، قطب مستقل شعر را که یکی از خصوصیاتش ادبیات ناب است و مباحثی چون نقد ادبی در آن مطرح می‌شود، به‌تصرف خود درآورد. نکته‌ای که گوران را به نسبت کسانی چون شیخ نوری و رشید نجیب متفاوت و مدرن‌تر جلوه داد، رجوع او در شکستن وزن شعر، به وزن هجایی بود؛ گوران معتقد بود که وزن عروضی، وزنی کردی نیست و به همین دلیل در شکستن و کم و زیاد کردن مصراع شعرها، از وزن و مصراع هجایی بهره برد. او در شعر «هنگام شورش» به سال ۱۹۴۳ م می‌گوید:

دهمی راپه‌رینه، دهمی راپه‌رین!

هه‌تا که‌ی به په‌ستی و به سستی بژین؟

دریغی مه‌که گیان له کوردایه‌تی

بگرمینه وه‌ک شیر، بچو ناوی به‌رد!

بلئی کوا هه‌قی ژینی ئینسانی مه‌رد؟ (گوران، ۱۳۹۹: ۲۷۹)

نکته‌ای که در زیرمیدان شعر کردی در دوره‌ی گوران به وضوح به چشم می‌آید، نبود مفهوم منازعه است. به تعبیری دیگر، از یک سو، به دلیل اینکه شاعران نوگرا در محتوای پیش از گوران تا حدود بسیاری ادبیات نوعثمانی و اروپا را می‌شناختند و با انواع شعر نو آشنا بودند، هیچ مخالفت و ممانعتی با شکستن ساختار شعر کردی و پیشبرد آن به سمت شعر آزادِ رها از وزن و قافیه نداشتند و از سوی دیگر، اگر منازعه و مناقشه‌ای هم در کار بوده، هیچ وقت در قالب مناقشه‌های ادبی، در تاریخ ادبیات کردی ضبط و ثبت نشده است. علت اساسی این امر فرمانروایی و تسلط میدان سیاست بر دیگر میدان‌ها در این دوره است و نوشتن به کردی، چه در قالب نثر و چه در قالب شعر، بیشتر کنشی سیاسی و برخاسته از منشی به همین منظور است و اصل ادبیات و مسئله‌ی خلاقیت ادبی، تا زمان گوران، چندان محل توجه نیست.

#### ۴-۴- سرمایه‌های عبدالله گوران

حجم سرمایه‌ی فرهنگی گوران، به نسبت دیگر اقسام چهارگانه‌ی سرمایه، بیشتر است. چنانچه گفته شد، پدر گوران زبان فارسی را بلد بود و گوران به یاری او، از طریق کتابی چون *اسکندرنامه*، اثر منظوم نظامی، با متون ادبی و شعر آشنا شد. گوران علاوه بر تسلط بر زبان کردی، با زبان‌های دیگری چون عربی، فارسی، ترکی و انگلیسی آشنایی داشت و قادر به خواندن متون دسته اول بود. آشنایی او با شعر نو ترکی، عربی و اروپایی سبب نهادینه کردن منشی ساختار شکنانه در او شد و با الهام از شاعران نوگرای

خارج از کردستان، نه تنها شعر نو نوشت، بلکه درباره تفاوت‌های شعر نو و قدیم نیز مطالبی به صورت نشر در آن زمان منتشر کرد.

او در سال ۱۹۵۲م، در شماره ۱۱۲۶ و ۱۱۲۷ روزنامه ژین، درباره شعر آزاد می‌گوید:

در ادبیات امروز غرب نوعی شعر پدید آمده که شعر آزاد یا سربست نام دارد؛ شاعران این نوع اشعار، تغییر زیادی در وزن‌های مرسوم ایجاد کرده‌اند و هر کدام بسته به خوانش و سلیقه خود، اوزانی رنگارنگ و پشت سر هم، طبق ترتیبی مشخص در یک موضوع خلق می‌کنند و بدین شکل شعر می‌نویسند» (آشنا، ۲۰۰۲: ۲۶).

ارزیابی اثر ادبی در ادبیات معاصر، با پشتوانه نقد ادبی معنی پیدا می‌کند و ابزار پیشنهادی تازه کار، که گوران در رأس آن‌ها قرار دارد، همین بحث نقد و نظریه ادبی است. گوران چه در روزنامه ژین و چه زمانی که در دانشکده بغداد به تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول بوده، اهمیت زیادی به نقد می‌داده و معتقد بوده در پیشبرد ادبیات و شعر معاصر، نقد درست، می‌تواند جهتی مدرن به جریان شعر بدهد. او در شماره ۵۱ سال دوم مجله آزاد، در مقاله‌ای به نام «کلمه‌ای درباره نقد» در سال ۱۹۶۰م می‌نویسد:

خود نقد، هرچند شامل ادبیات خلاقه نمی‌شود، اما در نویسندگان خلاق و مخاطبان، برای تأثیرگذاری متقابل نقش مهمی ایفا می‌کند. نقد باعث افزایش جنبه‌های زیبایی‌شناسانه در آثار خالقان ادبیات می‌شود؛ نویسنده را به تولید اثر پخته‌تر و برطرف کردن مشکلات و ضعف‌ها و زشتی‌ها و می‌دارد و از سوی دیگر، رهبری خیل مخاطبان را برای فهم بهتر محتوا و درست احساس کردن مایه‌های هنری و زیبایی‌های اثر خلاقه بر عهده دارد (همان: ۴۰).

یکی از دستاوردهای یادگیری زبان خارجی برای گوران، به‌مثابه سرمایه‌ای فرهنگی، ترجمه شعر از آن زبان‌ها به کردی است. او از زبان‌های فارسی، ترکی، عربی و انگلیسی شعر ترجمه کرده و این اشعار، قسمتی از دیوان او را شامل می‌شوند. گوران از شاعران عربی چون جبران خلیل جبران، معروف رصافی، جمیل صدقی زهاوی شعر ترجمه کرده است. ناظم حکمت از جمله کسانی است که گوران اشعار زیادی از او ترجمه کرده است.

گوران پس از اینکه تحصیل در مدرسه علمیه را به پایان می‌رساند، شغل‌های مختلفی داشته است؛ معلمی، کارمندی اداره راهداری، ناظر پروژه‌های ساختمانی در بغداد، سردبیری روزنامه ژین، عضو هیئت تحریریه روزنامه آزاد، گویندگی رادیو و سردبیری روزنامه به‌بان. این شغل‌ها، اگر هم اندوخته اقتصادی زیادی برای گوران به بار نیاورده باشند، حداقل تا حدودی او را از دغدغه معیشت دور کرده و سبب شده به مثابه سرمایه اقتصادی اندکی، با خیالی آسوده ذهن خود را بر ادبیات متمرکز کند.

حضور گوران در هر روزنامه و مجله‌ای، وزنه سنگینی برای آن تریبون محسوب می‌شده است. به همین دلیل هنگامی که گوران سردبیر روزنامه ژین می‌شود، در صفحه اول روزنامه، به مخاطبان مژده

می‌دهند که از این به بعد گوران در ژین کار می‌کند و این مسئله را خبری مهم برای مخاطبان می‌پندارند. بازنمایی سرمایه نمادین گوران در «ژین» بدین شکل است:

مژده! ژین با افتخار به مخاطبان خود مژده می‌دهد که از این شماره به بعد، این روزنامه به دست گوران، منتشر می‌شود و از این به بعد او سردبیری روزنامه را بر عهده دارد و هیچ لزومی ندارد ما به معرفی او بپردازیم؛ چراکه او میان همگان شناخته شده است (همان: ۵۲).

به این شکل است که گوران به واسطه سرمایه‌هایی که داشته، منشی تازه در او نهادینه می‌شود و با ایجاد رابطه‌ای دیالکتیکی میان این منش و قرار گرفتن در موقعیت و جای درست میدان تولید ادبی کردی، این عادت‌واره و رویکرد و سلیقه ناب ادبیات را عملی می‌کند و این کنش «بر پایه شعور عملی شکل می‌گیرد. صرفاً متکی بر محاسبه عقلانی و حسابگرانه نیست، جنبه واکنشی دارد» (شایان مهر، ۱۳۹۸: ۵۳). در واقع واکنش به تغییراتی است که در میدان‌های بیرون رخ می‌دهند.

#### ۴-۵- موقعیت گوران

گوران پیش از آنکه به مبادین و جمعیت‌های سیاسی بپیوندد، تحصیل در مدرسه علمیه، شغل معلمی و حضور در رسانه‌های چون رادیو، سرآغاز به دست آوردن سرمایه‌ای فکری برای او به شمار می‌رفت. همکاری با مجلات سبب شده است که آثار و اندیشه‌های گوران درباره ادبیات، مکتوب شود و بیشتر یادداشت‌هایی که از او اکنون موجود است، همان‌هایی هستند که در آن روزنامه‌ها منتشر شدند. در میان تمام موقعیت‌های گوران، روزنامه ژین و حضور در دانشگاه بغداد و تدریس زبان و ادبیات کردی، اهمیت ویژه‌ای دارند؛ چراکه در این دو مکان، گوران، ادبیات ناب و شعر جدید را معرفی می‌کند و مخاطب ادبیات کردی را با نوعی تازه از ادبیات آشنا می‌کند.

در دوره‌ای که گوران در بغداد تدریس می‌کرد، تبیین موضوع‌های معرفت‌شناسانه و بنیادی مربوط به ادبیات همچون: چیستی نقد ادبی، نقد جریان ادبی در یونان و ترکیه و ادبیات عرب، چیستی شعر و انواع وزن هجایی و نقد ادبی در کردستان، از مهم‌ترین مسائل به شمار می‌رفتند که گوران بدانها تحکیم بخشید و این موقعیت‌ها در جریان تازه‌ای که در شعر طرح‌ریزی کرده بود بیش از پیش راه را برای شاعران آینده مهیا ساخت.

#### ۵- عثمان محمد هورامی

عثمان محمد صالح، شناخته‌شده با نام عثمان محمد هورامی، در سال ۱۹۴۰م در روستای «ته‌ویله» در بخش هورامان اقلیم کردستان متولد شد. در سال ۱۹۴۷م، در مدرسه ابتدایی روستا، تحصیلات ابتدایی را آغاز کرد. پیش از آنکه کلاس دوم را در آنجا شروع کند، به همراه خانواده به شهر سلیمانیه کوچ کرد. عثمان در شهر سلیمانیه تحصیلات ابتدایی، متوسطه و دبیرستان را در رشته ادبیات به پایان رسانده است. هرچند او با گشایش رشته زبان و ادبیات کردی در دانشگاه بغداد، در سال ۱۹۵۹م توانست

پذیرش آنجا را بگیرد و حتی دو ماه در آنجا درس بخواند، اما به دلیل تنگدستی، مجبور می‌شود دانشگاه را رها کند و به شغل معلمی خود برگردد. او در این باره می‌گوید:

در دانشکده بغداد، رشته ادبیات در سال ۱۹۵۹م قبول شدم. این رشته و مکان در آن زمان آنقدر مهم بود، هنگامی که برای مصاحبه به آنجا رفتم، دانشجویانی دیدم که دانشجوی رشته‌های پزشکی بودند و به سبب احساس ملی و عشق به کُردستان، رشته خود را رها کرده و آمده بودند تا در بخش زبان و ادبیات کُردی تحصیل کنند (عبدالواحد، ۲۰۲۲: ۳۴).

عثمان پس از بازگشت به کُردستان و ادامه‌دادن شغل معلمی، به مدت ۴۷ سال در شهرها و روستاهای مختلف کُردستان، معلمی را ادامه داد. او در مدرسه با ادبیات و شعر آشنا شد و پس از اینکه اشعار کسانی چون بیسارانی، مولوی، پیره‌میرد و گوران را مطالعه کرد، در مصاحبه‌ای با آزاد عبدالواحد می‌گوید زمانی که کلاس پنجم و ششم مدرسه ابتدایی بودم، با روزنامه ژین آشنا شدم که این مسئله مقارن است با سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۵۲م. او با زبان عربی آشنا بود. «همچنین در دوران مدرسه، به مدت سه سال، معلمی به نام جوزف، از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۸م، زبان انگلیسی را به من آموخت و همین باعث آشنایی من با این زبان و خواندن متونی به انگلیسی شد» (همان: ۳۰).

بیشتر آثار چاپ‌شده عثمان محمد، در حوزه ادبیات و شعر کودکان است و در این حوزه، او نزدیک به بیست کتاب منتشر کرده است. در کنار نوشتن شعر کودکانه، گردآوری چند دیوان از شاعران کلاسیک را هم در کارنامه خود دارد که *دیوان ولی دیوانه* (شاعر کلاسیک کُردستان) از آن جمله است. عثمان در راستای فعالیت در حوزه ادبیات و پرورش کودکان، به مدت چهارده سال، در رادیوی «ملت کُردستان»، برنامه کودکانه «خنده» را اجرا کرده است. اضافه بر این‌ها، عثمان محمد از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ عضو خانه ترجمه در کُردستان بوده است و سرانجام در سال ۲۰۲۰ به دلیل ابتلا به ویروس کرونا، در شهر سلیمانیه چشم از جهان فروبست.

عثمان نوشتن شعر را از دهه شصت میلادی آغاز کرده است. در این راستا، او نخستین کسی است که شعر نو کُردی هورامی نوشته و تاریخ نخستین شعر نو هورامی، به قلم او، به گفته خود شاعر، به اواخر دهه شصت برمی‌گردد. هر چند او نخستین شعر نو کُردی هورامی‌اش را در سال ۱۹۸۱م منتشر کرد، اما تا امروز، نه اشعار نو هورامی و نه سروده‌های نو سورانی‌اش در قالب کتاب و مجموعه شعر منتشر نشده‌اند.

#### ۵-۱- تجدد شعر و ادبیات هورامی

پس از آغاز مبارزات کُردها در اقلیم کُردستان عراق و در راستای یکدست کردن و استاندارد کردن زبان، دیگر گویش‌های زبان کُردی از جمله هورامی، کلهوری و کُرماتجی به حاشیه رفتند. این وضعیت

تا حدود بسیاری برای گویش هورامی، فاجعه‌بارتر بود؛ چراکه زبان دوره ادبیات کلاسیک کردی، بیشتر از ده سده، هورامی بود و این جریان، دواوین شعری فراوانی به مجموعه شعر کردی افزوده بود. نوشتن ادبیات کردی هورامی، به نیم سده گذشته برمی‌گردد؛ زمانی که شاعران در مرحله نخست، سعی در تولید ادبیات به هورامی داشتند و به نوعی این امر، واکنشی در برابر یکدست کردن و استانداردشدن گویش سورانی از یک سو و حفظ و پاسداشت زبان مادری از سوی دیگر تلقی می‌شد. حرکت سیال شعر نو کردی در کردستان عراق، فعالیت انجمن‌ها و مؤسسه‌های فرهنگی و ادبی، انتشار روزنامه‌ها و مجلات و همچنین دوستی و همنشینی با شاعران نوپرداز کردی همچون شیرکو بی‌کس در نیمه دوم قرن بیستم، از بارزترین عواملی به شمار می‌روند تا شعر هورامی در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی به قلم عثمان محمد اصلاح شود (رستمی و امینی، ۱۴۰۳: ۲۱۶).

هرچند عثمان محمد تنها به مانند ستاره کم‌نوری در این میدان ظاهر شد و ما با توجه به تحقیقات میدانی و پژوهش‌هایی که درباره جریان شعر نو کردی هورامی انجام داده‌ایم، به این نتیجه رسیده‌ایم که نوگرایی عثمان محمد در شعر و شکستن وزن رایج، هیچ وقت برای شاعر موضوعی جدی نبوده و تنها به تقلید از گوران این نوع اشعار را نوشته است. این جریان مدرن که به قلم عثمان، نخستین جرقه‌هایش آغاز شده بود، به واسطه شاعرانی همچون جلیل عباسی و رئوف محمودپور، در دهه شصت شمسی و تداوم آن‌ها در نشر آثار در دهه‌های بعدی و چاپ کتاب و پیوستن جوانانی دیگر به این حرکت ادبی بیشتر معرفی شد.

#### ۵-۲- شعر عثمان محمد

عثمان محمد از دوران مدرسه در سلیمانیه، با فضای روشنگری و ادبیات و شعر معاصر در این شهر ارتباط برقرار کرده و همینطور ارتباط نزدیکی با شاعران و نویسندگان زبان و ادبیات کردی داشته است. در دوران مدرسه، رفیق چالاک برای مدتی معلم عثمان بوده و او یکی از کسانی به شمار می‌رود که در ایجاد علاقه عثمان محمد به نوشتن و شعر و ادبیات تأثیر چشمگیری داشته است. افزون بر این‌ها، رفاقت با شاعری چون شیرکو بی‌کس می‌تواند یکی از سرمایه‌های اجتماعی او باشد که در نوشتن شعر نو عثمان را به فکر نوگرایی در شعر هورامی وا داشته است.

در دوره عثمان محمد، آن گونه که در ادبیات معاصر کردی سورانی تشریح شد، نه تنها میدان تولید ادبیات معاصر کردی هورامی وجود نداشت، بلکه به دلیل دور بودن هورامان از اتفاقات و تحولات سیاسی- اجتماعی، شاعران و نویسندگان هورامان از یک سو دیرتر با انواع ادبی تازه آشنا شده‌اند و از سوی دیگر، بسیاری از این افراد، زبان تولید ادبی‌اشان کردی سورانی در آن زمان بوده است. علاوه بر این، هیچ گونه تربیونی برای نشر و توزیع ادبیات در هورامان تا دو دهه پیش وجود نداشته است.

برخلاف نظر برخی پژوهشگران «جریان شعر هورامی (گورانی) نه تنها پس از مولوی تاوه‌گوزی دچار انزوا و سکون نشده است، بلکه در دوره مولوی و بر وزن مثنوی ده‌هجایی ۵+۵، این حرکت به

قلم شاعرانی چون مولانا خالد شهرزوری، خالوی کوماسی، فقیه قادر هموندی، میرزا عبدالقادر پاوه‌ای و جهان آرا خانم پاوه‌ای ادامه داشته است» (همان: ۲۰۵).

باتوجه به اینکه خود عثمان محمد حتی یک سطر دربارهٔ این نوگرایی و ساختارشکنی‌اش در شعر هورامی نوشته و تنها به این گفته بسنده کرده که او نخستین کسی بوده به سیاق و شیوهٔ نو شعر هورامی نوشته، لازم نیست به مانند گوران به تبیین و تقسیم‌بندی سرمایه‌ها و موقعیت او در این مقاله پرداخته شود. همچنین، باتوجه به کارنامهٔ اشعار نو عثمان و جدی نبودن شاعر در موضوع نوگرایی ادبیات و کاری که انجام داده، ما سعی کرده‌ایم جایگاه شاعر را آن‌گونه که هست خوانش کنیم، بدون هیچ‌گونه بزرگ‌نمایی؛ چراکه در واقع، او تنها آغازگر این راه بود و این شاعران دیگری بودند که در حرکت شعر نو جریان‌ساز شدند. عثمان در جایی دربارهٔ نو نویسی شعر هورامی می‌گوید:

من اولین کسی بودم که به سبک نو در زبان هورامی شعر نوشتم، حتی در سال ۱۹۶۸م به سبک نو شعر هورامی دارم، اما کجا آن را چاپ می‌کردم؟ نتوانستم کتابی چاپ کنم و توانایی مالی‌اش را نداشتم، سرشلوغی خودم در کارهایی دیگر هم بماند که این فرصت را از من می‌گرفت (عبدالواحد، ۲۰۲۲: ۷۶و۷۷).

عثمان، در میدان تولید ادبی کردیِ سورانی بازی کرده است و در زیر میدان وسیعی در دورهٔ او که کسانی همچون شیرکو بی‌کس، رفیق سابیر، عبدالله پهبشو و لطیف هلمت سربرآوردند و جریان شعر نو کردی سورانی پساگوران را شکل دادند، عثمان تنها تقلیدگر راه گوران بوده است. حتی نوع شکستن وزن کلاسیک او شبیه گوران است و در این موضوع، صاحب خط فکری ادیبانهٔ نوگرای چندان مهمی نبوده است. در این میان، سرمایهٔ فرهنگی او که عبارت از مطالعه و فهم و آشنایی شعر نو کردی سورانی و ادبیات معاصر این جریان است، یکی از عوامل بسیار مهم در نوگرایی او در شعر کردی هورامی به شمار می‌رود.

همچنین، بنا به آنچه دربارهٔ مفهوم موقعیت از نگرش بوردیو گفته شد، می‌توان گفت موقعیت عثمان در مرکز حرکت جریان شعر نو کردیِ سورانی در اقلیم کردستان و تأثیرپذیری او از این جریان، باعث نهادینه شدن عادت‌وارگی در او شده تا شعر هورامی را دستخوش تغییر کند. سرمایهٔ فرهنگی و اجتماعی او از یک سو و مالکیت موقعیت مذکور از سوی دیگر، سبب شده تا در شعر «آتش دل»، که تاریخ نوشتن این اثر سال ۱۹۷۲م ذکر شده، بنویسد:

«گرد نه‌یاروو دۆسی ماچا / دوور و نزیک / سه‌رجه‌م میژوونوسی ماچا: / ئۆرۆمؤنا / هۆرامانا / ئاریماننا / ئیگه‌گه‌شه و / دل و گیانوو گردیماننا / شۆق و کلپه‌و ناته‌شگاکا / مژده‌و په‌شتاو په‌شتیماننا» (محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۸۲).

همچون گوران که برای شکستن ساختار شعر کُردی به وزن هجایی رجوع کرد، عثمان محمد نیز در شعری مانند «آتش دل»، با کوتاه و بلند کردن هجاها و متعهد نبودن به چارچوب ۵+۵، تحولی در فرم شعر کُردی هورامی پدید آورد.

#### ۶- نتیجه

اتفاقات سیاسی- اجتماعی که در اواخر سده نوزدهم و نیمه اول سده بیستم در کُردستان روی دادند، تأثیر چشمگیری بر تجدد ادبیات و شعر گذاشتند. یافته‌ها نشان می‌دهند سرمایه‌های فرهنگی همچون آشنایی با زبان‌های خارجی و خواندن متون ادبی از یک سو و داشتن موقعیتی چون تدریس در دانشگاه و سردبیری مجلات از سوی دیگر، عامل مهمی در روی‌آوری گوران به اصلاح شعر کُردی سورانی بودند. همچنین، گسترش عناصر مدرنیسم و وفور مبارزات مردم در کُردستان عراق همچون میدانی اجتماعی، از دیگر عوامل بیرونی است که گوران را به سمت سنت‌شکنی هدایت کردند.

نتایج به‌دست‌آمده نشان دادند عثمان محمد هورامی که در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی، نخستین بار شعر هورامی را از قید و بند وزن هجایی رها کرد، بسیار متأثر از عبدالله گوران و حرکت شعر نو کُردی سورانی بوده است. نیز روشن شد که در دوره عثمان، میدان تولید ادبی هورامی آنچنانی وجود ندارد و همین امر، موجب می‌شود عثمان محمد، با داشتن سرمایه‌هایی اجتماعی و دارا بودن موقعیت مناسب که مرکز میدان تولید ادبی در شهر سلیمانیه است، سنت‌شکنی گوران را در شعر هورامی تقلید کند. از دیگر یافته‌های این پژوهش می‌توان به شباهت‌های عبدالله گوران و عثمان محمد در دانستن زبان خارجی، حضور در سلیمانیه همچون مرکزی برای تولید ادبیات، کارمند بودن همچون سرمایه‌ای اقتصادی و رجوع به قالب هجایی برای سنت‌شکنی شعر اشاره کرد.

#### منابع

##### الف) فارسی

- احمدی، جمال (۱۴۰۱). *تاریخ ادبیات کُردی؛ از جنگ جهانی اول تا سال ۱۹۷۰*، سقز: گوتار.
- ایگلتون، تری (۱۴۰۰). *مارکسیسم و نقد ادبی*، ترجمه اکبر معصومی‌بیگی، چاپ سوم، تهران: گل‌آذین.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۴۰۱). *به طعم فرهنگ: جامعه‌شناسی سیاسی پی‌یر بوردیو*، چاپ دوم، تهران: ثالث.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۹). *نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، ترجمه مرتضی مردی‌ها، چاپ ششم، تهران: نقش و نگار.
- بون ویتز، پاتریس (۱۳۹۹). *درس‌هایی از جامعه‌شناسی پی‌یر بوردیو*، ترجمه جهانگیر جهانگیری و حسن پوریوسف، چاپ پنجم، تهران: آگه.

پرستش، شهرام (۱۳۹۳). *روایت نابودی ناب: تحلیل بوردیویوی بوف کور در میدان ادبی ایران*، چاپ دوم، تهران: ثالث.

جمشیدیها، غلامرضا و همکاران (۱۳۸۶). «دیالکتیک منش و میدان در نظریه عمل پی‌یر بوردیو»، *پژوهشنامه علوم انسانی*، ش. ۳۰: صص ۳۲-۱.

ریتزر، جرج (۱۳۷۷). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.

شایان مهر، علیرضا (۱۳۹۸). *پی‌یر بوردیو*، چاپ دوم، تهران: اختران.

شریعتی، مهناز (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی شعر نو فارسی و کردی با توجه به اشعار نیما یوشیج و عبدالله گوران، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه کردستان، سنندج.

محمدپور، عادل (۱۳۹۲). *جریان‌شناسی شعر کردی هورامی از ابتدا تا به امروز*، مریوان: اوین.

محمدی، عادل (۱۴۰۳). «تحلیل استعاره‌های رایج پیرامون تنوع زبانی در اذهان کنشگران اجتماعی»، *مجله تحلیل‌گفتمان ادبی*، ش. ۳: صص ۱۲۳-۱۰۱.

هاشمی، سیدجمال (۱۳۹۴). *بررسی نابسامانی‌های اجتماعی در اشعار معروف الرصافی و عبدالله گوران*، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه کردستان، سنندج.

## ب) کردی

ناشنا، تومید (۲۰۰۲)، *نووسین و په‌خشان و وەرگنیراوه‌کانی گۆران*، هه‌ولێر: ناراس.

بیکه‌س، فایق (۲۰۱۱)، *دیوانی فایق بیکه‌س*، ناماده‌کردنی محمه‌مه‌مه‌لاکه‌ریم، چاپی دووم، سلیمانی: شقان. پیربال، فه‌ره‌ه‌اد (۲۰۰۷)، *گه‌نجه‌ کورده‌کان: بیه‌که‌مین پرۆژهی مه‌عریفی کورد له میژووودا*، سلیمانی: بلا‌و‌کراوه‌کانی مه‌کته‌بی بی‌ر و هوشیاری.

حیلمی، ره‌فیتق (۲۰۱۰)، *شێعر و نه‌ده‌بیاتی کوردی*، چاپی دووم، هه‌ولێر: ناراس.

خه‌زنه‌دار، مارف (۲۰۰۶)، *میژوووی نه‌ده‌بی کوردی*، به‌رگی شه‌شه‌م، هه‌ولێر: ناراس.

ره‌سوول‌حه‌مه‌ده‌مین باله‌کی، یادگار (۲۰۰۵)، *سیمای تازه‌کردنه‌وه‌ی شیعری کوردی ۱۹۳۲-۱۸۹۸*، هه‌ولێر: چاپخانه‌ی وه‌زاره‌تی په‌روه‌رده.

رۆسته‌می، فه‌رشید و نه‌مینی، کورش (۱۴۰۳)، «*ره‌وتناسیی نه‌ده‌بی هاوچه‌رخ‌ی هه‌ورامی؛ شیعری*»، *پژوهشنامه ادبیات کردی*، دوره ۱۰، ش. ۲: صص. ۲۰۳-۲۲۵.

گۆران، عه‌بدوڵلا (۱۳۹۹)، *دیوانی شێعر*، ساغ‌کردنه‌وه: محمه‌مه‌مه‌لاکه‌ریم، بانه: مانگ.

عامر، ظاهر (۲۰۰۶)، *نیمایوشیج و عه‌بدوڵلا گۆران: نوێکردنه‌وه و داب‌ران*، پاریس: سوربۆن.

عەبدولواحید، نازاد ( ٢٠٢٢)، عوسمان محەمەد هەورامی، هەلکەوتووێهک لە ناو ئەدەبیاتی کوردیدا، دهۆک: خانی.  
 مەحموود پووڕ، رەشوف (١٣٩٧)، گۆژمانە، مەریوان: زایه‌له.  
 موحه‌مه‌د پووڕ، عادل (١٤٠٠)، هورزانه، مەریوان: ئەوین.

#### پ) انگلیسی

Paul, L. (2008, last rev. 2012), *Kurdish Language I: History of the Kurdish Language*. Encyclopaedia Iranica.  
 Haig, G & Opengin, E (2014), *Kurdish: A Critical Research Overview*, *Kurdish Studies*, No 2, Vol 2: pp 99-122.